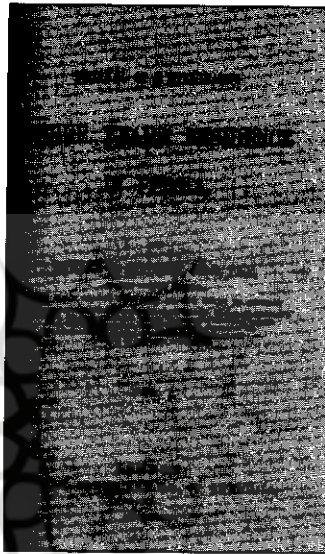


روزنامه سه سال اقامت یک مامور سیاسی در ایران

تالیف ادوارد بک هاوس ایستویک

○ ابوالفضل حسن آبادی



Journal of Diplomote's tree year residence in
Persia, Edward Bakhonse Estwick, London, Smith
Elder and Co, 1864/ 1355

ایستویک در سال ۱۸۴۵ به عنوان استاد زبان هندی و متخصص در امور هندوستان به تدریس در کالج هیلبوری که وابسته به کمپانی هند شرقی بود؛ مشغول شد.

وی در سال ۱۸۵۱ عضو انجمن سلطنتی انگلیس، در سال ۱۸۵۹ دستیار سیاسی دبیر دیوان هند و مشاور در اداره هند، در بین سال‌های ۱۸۶۳-۱۸۶۰ م نماینده تام‌الاختیار دولت انگلستان در ایران و عضو هیأت نمایندگی در زمان حسنعلی، وزیرمختار ایران در بریتانیا بود.^۱ وی همچنین مسئولیت کنسولگری تهران و اداره ترجمه سفارت تهران را از چهاردهم ژوئن تا دهم اوت ۱۸۶۲ برعهده داشت.^۲

از سایر فعالیت‌های وی می‌توان به عضویت در انجمن سلطنتی آسیایی انگلستان، انجمن آسیایی پاریس، انجمن آسیایی آلمان، عضو افتخاری انجمن نژادشناسی فرانسه، انجمن زبان‌شناسی (واژه‌شناسی) لندن اشاره نمود.^۳ ایستویک صاحب تألیفاتی در زمینه مطالعات آسیایی است:

1. Concise grammer of the Hinduston Language to which are added selection of reading: 1847

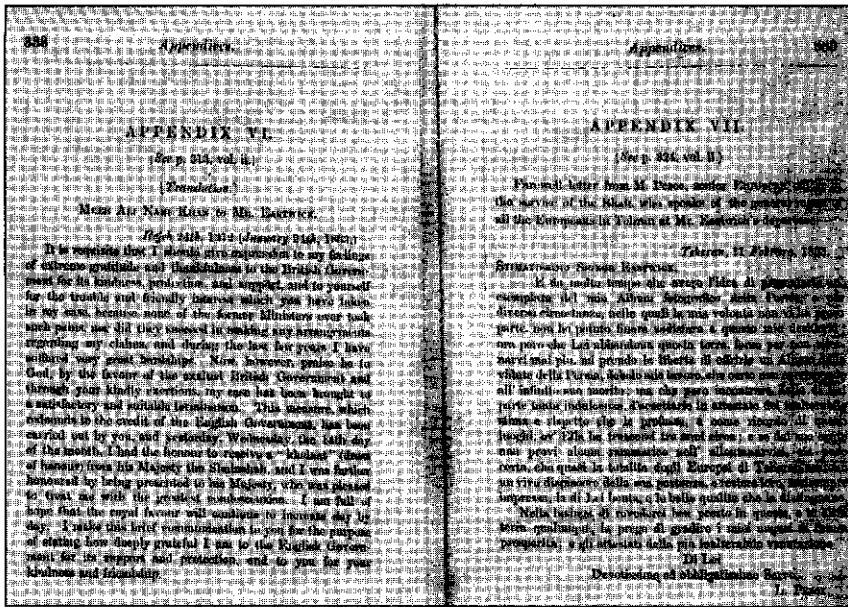
2. The paris religion Eastwick's pt translation in wilson, Bomby: 1892.4

وی در سال (۱۳۰۱/۱۸۸۳ ه. ق) فوت کرد.

هدف از نگارش کتاب *روزنامه سه سال اقامت یک مامور سیاسی در ایران* همانطور که مؤلف آن در دیباچه آورده، یادداشت‌ها و خلاصه‌هایی در مورد آداب و رسوم ایرانیان، اماکن جغرافیایی و رویدادهای سیاسی ایران

این کتاب در سال ۱۳۵۵، از روی نسخه اصل که در دانشگاه پرینستون نگهداری می‌شود، به زبان اصلی انگلیسی در ۱۰۰۰ نسخه چاپ و منتشر شده است.

سفرنامه‌ها یکی از مهمترین منابع تاریخ‌پژوهی برای محققان و شیفتگان تاریخ می‌باشد که اطلاعات بارزتری را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خصوصاً درباره آداب و رسوم و فرهنگها، در اختیار می‌گذارد. کشور ایران از دیرباز به علت برخورداری از موقعیت خاص جغرافیایی و جاذبه‌های طبیعی موردتوجه جهانگردانی بوده که هرکدام از دیدگاه متفاوت به بیان دیده‌ها و شنیده‌های خود در این کشور پرداخته‌اند. در خراسان نیز افراد گوناگون از ملیت‌های مختلفی اقدام به مسافرت نموده و سفرنامه‌های متعددی نیز نوشته‌اند که به علت کمبود منابع تاریخی در برخی از مقاطع زمانی، این سفرنامه‌ها از ارزش تحقیقاتی زیادی برخوردار می‌باشند. افرادی مانند کلاویخو، کنلی، فریزر، خانیکوف، بارنز، مک‌گرگ، سرپرسی سایکس، لردکرزن، همگی در مقاطع مختلف زمانی به خراسان سفر نموده و آثار ارزشمندی را برجای گذاشته‌اند. یکی از این سفرنامه‌نویسان ایستویک ادوارد بک هاوس، به عنوان مامور سیاسی انگلستان به ایران سفر نموده و مدتی را نیز در خراسان به سر برده است. او در سال ۱۳۳۱ ه. ق / ۱۸۱۴ م در وارفیلد انگلستان متولد شد، در چارتر هاوس و مرتون کالج آکسفورد تحصیل کرد و سپس تحصیلات خود را در فرانکفورت ادامه داد. بعدها با کمپانی هند شرقی همکاری نمود و در سال ۱۸۳۶ م به منظور مأموریت نظامی به بمبئی رفت و در اداره سیاسی کاتیاور خدمت نمود. وی در سال ۱۸۴۲ م بر اثر بیماری، هند را ترک نمود.



هدف از نگارش کتاب «روزنامه سه سال اقامت یک مامور سیاسی در ایران»

همانطور که مؤلف آن در دیباچه آورده، یادداشت‌ها و خلاصه‌هایی در مورد آداب و رسوم ایرانیان،

اماکن جغرافیایی و رویدادهای سیاسی ایران است

جنگلی سروان، گروه مستقبلین، رشت
مندرجات جلد دوم

- ۱ - اوضاع اجتماعی رشت، عزیمت به قصد دریای خزر، مرداب انزلی، شاهرخ میرزا، صید ماهی‌های استورژن، بندر آشوراده
- ۲ - صید ماهی استورژن در سفیدرود، مهارت دریانوردی روس‌ها، فرود در سواحل ترکمن، اسکله آشوراده
- ۳ - استرآباد، کله منار، مراجعه به بندر گز، اشرف، فرح‌آباد، ساری، فیروزکوه، بازگشت به تهران
- ۴ - حوادث بین مه ۱۸۶۱ تا بهار ۱۸۶۲ میلادی، نوروژ در تهران، کشتی‌گیر و پهلوان، قصر شاه، جواهرات سلطنتی ایران، ورود کلنل پی. استوارت برای تأسیس تلگراف برقی، مذاکرات مجدد و شکست آنها، رفتن کلنل استوارت و آقای دیکسون از تهران، تهران، پیشروی افغانه در هرات
- ۴ - عزیمت از قلهک، مذاکره با امین‌الدوله، خصوصیات او، شایستگی او برای اداره پست نخست‌وزیری، از تهران به خاتون‌آباد، ایوان‌کی، قلعه قدیمی و باقیمانده آتشکده، ابرای ایرانی، لاسجرده، سمنان، دامغان یا هکاتوم پیلوس
- ۵ - چشمه علی، جاده‌های مازندران، شاهرود، سفر با کاروان از بیابان، تپه‌های راهزنان، تراکمه، سبزوار، معادن فیروزه، نیشابور
- ۶ - عزیمت از نیشابور، ورود به مشهد، اعیان و نجای مشهد، کارخانه بودر در مشهد [باروت؟] ورود قافله‌ای از سیستان، خواجه ربیع، روایت امام رضا، ترورهای مذهبی یک روحانی مسلمان، شهر مقدس مشهد و گردش در اطراف آن، امام جمعه و پسر او
- ۷ - اوضاع مشوش مشهد، توقیف یک توپچی و اقدام شجاعانه کلنل دولماژ، اضطراب و هیجان میان ملاحا، عزیمت از مشهد اولین مصاحبه با سلطان مرادمیرزا، وزیر هرات، خانه‌های زیرزمینی
- ۸ - داستان جنگ روس و ایران، مسئله هرات، کمینگاه ترکمن‌ها، شکار با باز در معیت امیر، جاسوسان افغانی، چشم‌بندی و شعبده‌بازی ایرانی، سحر و جادو، مؤلف به سیمت شارژ دافر اعلیحضرت [پادشاه انگلیس] در ایران منصوب می‌شود و به تهران احضار می‌گردد، اسب الله یارخان

می‌باشد که از نظر محتوای مطالب، تنوع و بعضاً سطحی بودن برخی از مطالب با عنوان کتاب یعنی «روزنامه» تناسب دارد. کتاب در واقع در ادامه راه سایر سفرنامه‌نویسان این دوره مانند خانیکوف و بارنز... نگاشته شده که البته برخی ویژگی‌های منحصر به فردش آن را از میان سایر آثار متمایز می‌نماید. رویکرد نویسنده با توجه به گفته خودش، نظری و توضیحی بوده تا انتقادی و پژوهشی، و کتاب شامل یک دیباچه و دو جلد می‌باشد. مطلب جالب در جلد اول، تقدیم آن به حسام‌السلطنه، فرزند عباس میرزا، فاتح مرو خراسان می‌باشد که در نوع خود منحصر به فرد است. هرچند خانیکوف که سه سال قبل از ایستویک وارد ایران شده، رابطه عباس میرزا با انگلیسی‌ها را حسنه معرفی نموده و آن را عامل تشویق جهانگردان انگلیس برای سفر به ایران می‌داند، اما آوردن اسم یک شاهزاده ایرانی در دیباچه کتاب و تقدیم آن به وی، جای تعجب دارد.

مندرجات جلد اول عبارتند از:

- اهدا به: سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه حکمران خراسان پسر عباس میرزا ولیعهد
- ۱ - پاریس، آتن، استانبول، تقلیس، کوه آراتات، ایروان، نخجوان، دروازه‌های ایران، جلفا، از ارس به مرند تبریز، ایرانی، کنسولگری روس، و ضعف مارگریان، قبرستان ارامنه، دیدنی‌های تبریز
 - ۲ - از تبریز به ترکمن‌چای، معاهده ۱۸۲۸، میانه و ساسه‌های سمی، زنجان، سلطانیه، قزوین، قصر سلیمانیه، ورود به تهران
 - ۳ - میسیون تهران، قصر قاجار، قلهک
 - ۴ - خدمه ایرانی، آشپزخانه و سبک آشپزی در ایران، شرایط زندگی در تهران، گردش در اطراف تهران، مسابقه اسب‌سواری، آبشار، شاه عبدالعظیم، ری
 - ۵ - زمستان سرد ۱۸۶۰، گشتی در ورامین، تهیه مقدمات سفر به قصد رشت، سلیمانیه، معادن ذغال نزدیک هیر
 - ۶ - عزیمت از قزوین، آق‌آباد، منجیل، سفیدرود، رودبار و جنگلهای زیتون آن، رستم‌آباد، کوه درفک، داخل جنگلهای گیلان، بقعه امامزاده هاشم، دهکده

APPENDICES

APPENDIX I

(See p. 49, vol. I.)

LIST OF STATIONS FROM TABRIZ TO TABRIZ

Name of Station	Distance to Tabriz	Approximate Distance
Tabriz	0	0
Tabriz	1	1
Tabriz	2	2
Tabriz	3	3
Tabriz	4	4
Tabriz	5	5
Tabriz	6	6
Tabriz	7	7
Tabriz	8	8
Tabriz	9	9
Tabriz	10	10
Tabriz	11	11
Tabriz	12	12
Tabriz	13	13
Tabriz	14	14
Tabriz	15	15
Tabriz	16	16
Tabriz	17	17
Tabriz	18	18
Tabriz	19	19
Tabriz	20	20
Tabriz	21	21
Tabriz	22	22
Tabriz	23	23
Tabriz	24	24
Tabriz	25	25
Tabriz	26	26
Tabriz	27	27
Tabriz	28	28
Tabriz	29	29
Tabriz	30	30
Tabriz	31	31
Tabriz	32	32
Tabriz	33	33
Tabriz	34	34
Tabriz	35	35
Tabriz	36	36
Tabriz	37	37
Tabriz	38	38
Tabriz	39	39
Tabriz	40	40
Tabriz	41	41
Tabriz	42	42
Tabriz	43	43
Tabriz	44	44
Tabriz	45	45
Tabriz	46	46
Tabriz	47	47
Tabriz	48	48
Tabriz	49	49
Tabriz	50	50
Tabriz	51	51
Tabriz	52	52
Tabriz	53	53
Tabriz	54	54
Tabriz	55	55
Tabriz	56	56
Tabriz	57	57
Tabriz	58	58
Tabriz	59	59
Tabriz	60	60
Tabriz	61	61
Tabriz	62	62
Tabriz	63	63
Tabriz	64	64
Tabriz	65	65
Tabriz	66	66
Tabriz	67	67
Tabriz	68	68
Tabriz	69	69
Tabriz	70	70
Tabriz	71	71
Tabriz	72	72
Tabriz	73	73
Tabriz	74	74
Tabriz	75	75
Tabriz	76	76
Tabriz	77	77
Tabriz	78	78
Tabriz	79	79
Tabriz	80	80
Tabriz	81	81
Tabriz	82	82
Tabriz	83	83
Tabriz	84	84
Tabriz	85	85
Tabriz	86	86
Tabriz	87	87
Tabriz	88	88
Tabriz	89	89
Tabriz	90	90
Tabriz	91	91
Tabriz	92	92
Tabriz	93	93
Tabriz	94	94
Tabriz	95	95
Tabriz	96	96
Tabriz	97	97
Tabriz	98	98
Tabriz	99	99
Tabriz	100	100

APPENDICES

APPENDIX II

(See p. 49, vol. I.)

LIST OF STATIONS FROM TABRIZ TO TABRIZ

Name of Station	Distance to Tabriz	Approximate Distance
Tabriz	0	0
Tabriz	1	1
Tabriz	2	2
Tabriz	3	3
Tabriz	4	4
Tabriz	5	5
Tabriz	6	6
Tabriz	7	7
Tabriz	8	8
Tabriz	9	9
Tabriz	10	10
Tabriz	11	11
Tabriz	12	12
Tabriz	13	13
Tabriz	14	14
Tabriz	15	15
Tabriz	16	16
Tabriz	17	17
Tabriz	18	18
Tabriz	19	19
Tabriz	20	20
Tabriz	21	21
Tabriz	22	22
Tabriz	23	23
Tabriz	24	24
Tabriz	25	25
Tabriz	26	26
Tabriz	27	27
Tabriz	28	28
Tabriz	29	29
Tabriz	30	30
Tabriz	31	31
Tabriz	32	32
Tabriz	33	33
Tabriz	34	34
Tabriz	35	35
Tabriz	36	36
Tabriz	37	37
Tabriz	38	38
Tabriz	39	39
Tabriz	40	40
Tabriz	41	41
Tabriz	42	42
Tabriz	43	43
Tabriz	44	44
Tabriz	45	45
Tabriz	46	46
Tabriz	47	47
Tabriz	48	48
Tabriz	49	49
Tabriz	50	50
Tabriz	51	51
Tabriz	52	52
Tabriz	53	53
Tabriz	54	54
Tabriz	55	55
Tabriz	56	56
Tabriz	57	57
Tabriz	58	58
Tabriz	59	59
Tabriz	60	60
Tabriz	61	61
Tabriz	62	62
Tabriz	63	63
Tabriz	64	64
Tabriz	65	65
Tabriz	66	66
Tabriz	67	67
Tabriz	68	68
Tabriz	69	69
Tabriz	70	70
Tabriz	71	71
Tabriz	72	72
Tabriz	73	73
Tabriz	74	74
Tabriz	75	75
Tabriz	76	76
Tabriz	77	77
Tabriz	78	78
Tabriz	79	79
Tabriz	80	80
Tabriz	81	81
Tabriz	82	82
Tabriz	83	83
Tabriz	84	84
Tabriz	85	85
Tabriz	86	86
Tabriz	87	87
Tabriz	88	88
Tabriz	89	89
Tabriz	90	90
Tabriz	91	91
Tabriz	92	92
Tabriz	93	93
Tabriz	94	94
Tabriz	95	95
Tabriz	96	96
Tabriz	97	97
Tabriz	98	98
Tabriz	99	99
Tabriz	100	100

کتاب «روزنامه سه سال اقامت یک مامور سیاسی در ایران»، با استفاده از سبک نگارش روان و شیوا و حتی الامکان ساده «روزنامه‌ای» که شامل شرح دقیق حوادث، ثبت زمان دقیق آن، متنوع و جالب بودن آن‌ها، عدم پیچیدگی و مغلق بودن نوشته‌ها و... زمینه خوبی را برای انتقال مطالب به خوانندگان فراهم کرده است

ادامه فهرست توقف گاه‌ها بین پوتی و تفلیس،
تفلیس و تبریز

فهرست توقف گاه‌ها بین پوتی و تفلیس، تفلیس و تبریز

جغرافیایی کمتری برخوردار می‌باشد خصوصاً اینکه نویسنده در مورد اماکن باستان‌شناسی که دارای ارزش معماری بوده به علت عدم تخصص در معماری تفاوت‌چندانی با اماکن معمولی قائل نشده و به توصیف آنها در ردیف سایر اماکن می‌پردازد. اما اطلاعات جغرافیایی و تاریخی در مورد اماکن مفصل و مفید است به‌ویژه شرح بسیار دقیقی از جزئیات هر منطقه، از کوهها، تپه‌ها و جاده‌ها گرفته تا کاروانسراها ارائه می‌دهد. برخی از موضوعات پرداخت شده در این مبحث عبارتند از:

- ۱ - روستای جاغرق (تعداد خانه‌ها)، وضعیت آب و هوایی...
- ۲ - اشاره به محلی به نام تباشیر^۲ و ذکر اطلاعاتی در مورد چگونگی محاصره آن توسط حسام‌السلطنه که مأمون شورشیان شده بود.
- ۳ - روستای گلستان و مخصوصاً توجه وی به درختهای توت و علت وجود آن‌ها در مسیر جاده.
- ۴ - توصیف مقبره خواجه ربیع، شرح دقیق مکان، توصیف سنگهای قبر و آوردن اطلاعات بسیار ذی‌قیمت در مورد فتح خان قاجار و خصوصاً سالار و چگونگی کشته شدن پیروی اصلان‌خان که هیچ جای دیگر نیامده است.^۲
- ۵ - توصیف کارخانه باروت‌سازی مشهد موقیعت جغرافیایی آن، چگونگی کارکرد، و نحوه فراهم آوردن مواد اولیه
- ۶ - شرح کامل در مورد باغ امام جمعه مشهد، باغ حسام‌السلطنه، نحوه آبیاری درخت‌ها، تامین آب و میوه‌ها.
- ۷ - شرح کامل و بسیار جامع در مورد دروازه‌ها و موقیعت جغرافیایی آنها، اندازه و طول و عمق آنها.
- ۸ - جمعیت شهر که آن را بین ۸۰/۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰ نفر تخمین می‌زند. با توجه به این‌که خانیکوف در سه سال قبل از آن، ۶۰ هزار نفر ذکر می‌کند^۵ تا حدودی زیاد به نظر می‌رسد.
- اطلاعات آماری که در مورد ورود و خروج زوار از مشهد ارائه می‌دهد، به علت نزدیکی به مراکز قدرت و چگونگی دسترسی به آنها دقیق می‌باشد.
- ۹ - اشاره به مقبره‌ای خرابه در محل کوهسنگی که احتمالاً همان مقبره میرزا ابراهیم رضوی بوده است.^۶

۹ - رمه‌ها و گل‌ها، گوزن در خیاباد و...

۱۰ - اجازه حضور بار اول، مذاکره با وزیر خارجه و امین‌الدوله، اجازه حضور خصوصی، ملاقات با سپه‌سالار، گفت و گوی ثمربخش برای تاسیس تلگراف، صرف شام با امین‌الدوله و شاهزادگان، مزاحمت‌های مرزی، شام خداحافظی. در پایان کتاب جدول مسافت‌ها، شجره‌نامه پادشاهان قاجار، نامه‌ای از دکتر بل فقید مضمن شرح بیماری [تبا] که در ایران رایج است، در مورد ساس‌های سمی ایران به زبان فرانسه و چند نامه دیگر آمده است. کتاب با استفاده از سبک نگارش روان و شیوا و حتی الامکان ساده «روزنامه‌ای» که شامل شرح دقیق حوادث، ثبت زمان دقیق آن، متنوع و جالب بودن آن‌ها، عدم پیچیدگی و مغلق بودن نوشته‌ها و... زمینه خوبی را برای انتقال مطالب به خوانندگان فراهم کرده است. علاوه بر این، احاطه نویسنده بر مطالب ادبی و به کار بردن اصطلاحات زیبا بر جذابیت آن افزوده است. یکی از مهمترین وجوه تمایز کتاب نسبت به سایر آثار دیگر، خوش‌بینی نویسنده نسبت به ایران و ایرانی است که در جای جای کتاب به چشم می‌خورد در واقع ایستویک سعی کرده با گردش در همان سرزمینی که فریزر مسافرت نموده، دیدگاهی جدید ارائه دهد. عضویت نویسنده در انجمن‌های مختلف فرهنگی و تجربه کاری وی در کمپانی هند شرقی و اداره هند از او فردی باتجربه و مطلع ساخته و باعث شده تا ضمن رعایت امانت و درستی در انتقال مطالب نقل شده، از به کار بردن افکار و نظریات شخصی خود در مورد حوادث پرهیز نماید. وضعیت خراسان و مخصوصاً مشهد و حوادثی که در مدت اقامتش برای او رخ داده، موضوع اصلی مقاله است که در بخش هفتم و هشتم جلد دوم آمده است.

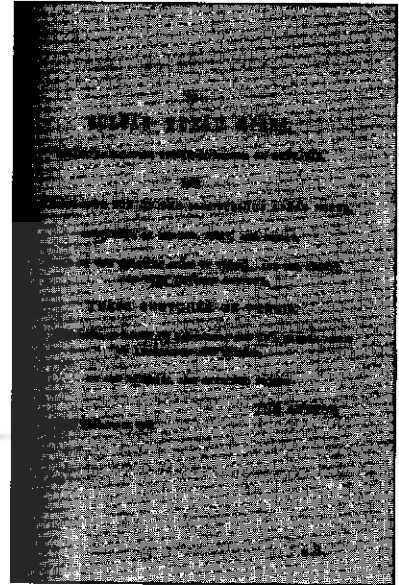
در یکی از قسمت‌های این دو بخش با عنوان «عزیمت از مشهد»، پنج مبحث زیر به تفصیل آمده است:

۱ - مبحث اماکن جغرافیایی:

اماکن مذهبی، تخمین جمعیت، ذکر فاصله بین اماکن: هرچند که مطالب این قسمت به علت عدم برخورداری از گراور و نقشه یا مشخص نبودن موقیعت دقیق جغرافیایی نسبت به مطالب کتب خانیکوف یا مک‌گرگور از ارزش

۱۰- یکی از جالب‌ترین مطالب سفرنامه ایستویک، شرح ورود وی به حرم و توصیف اماکن متبرکه مانند صحن عتیق، مسجد گوهرشاد، رواق‌ها، سقاخانه و درهای جواهرنشان ضریح امام رضاع) می‌باشد که بنا به گفته خودش اولین نفری بوده که بدون لباس مبذل وارد حرم شده است.^۶ نحوه ورود وی به حرم که از راه مخفی‌خانه نائب‌التولیه وقت (مشیرالدوله) صورت گرفته و اطلاعات مربوط به کارخانه زواری^۷ و موقعیت مکانی آن، نحوه تغذیه زوارها، بیمارستان ساخته شده توسط مشیرالدوله، جالب می‌باشد.

متن تقدیم کتاب از سوی نویسنده به سلطان مراد میرزا



یکی از دلایل اصلی سفر ایستویک به خراسان همانطور که خود اشاره می‌کند مسئله هرات بوده است

۳- مبحث ذکر مسائل سیاسی، رویدادها و مسائل مهم در مدت حضور وی در خراسان و مشهد و وقایع تاریخ مشهد در مدت حضور ایستویک، یکی از روشنترین و کاملترین تواریخ در ادوار مختلف است. زیرا نویسنده با دقت نظر یک ژورنالیست حوادث ریز و درشت شهر را با دقت ذکر کرده است. حوادثی مانند درگیری میان توپچی‌های کرد، کشته شدن اکراد و شورش آن‌ها، درگیری بین کردها با سربازان خلج، درگیری فراشباشی با شورشیان، شرح و تفصیل حملات ترکمن‌ها و نتایج آن، آتش‌سوزی‌های گوناگون در شهر و خصوصاً تصویری که از مشهد و خراسان ۱۱ این دوره ارائه می‌دهد بسیار واضح و رسا است وی در این مورد می‌گوید:

«در مشهد جنگهای روزانه و قتل اتفاق می‌افتد و یک پرده نقاشی بزرگ از خونریزی، توطئه‌های گستاخانه و اعدام‌های بیرحمانه است».

۴- مبحث مسئله هرات

یکی از دلایل اصلی سفر ایستویک به خراسان همانطور که خود اشاره می‌کند مسئله هرات بوده است. ورود وی به مشهد مقارن اوج‌گیری درگیری‌ها بین دوست محمدخان با حسام‌السلطنه بوده است. به علت ارتباط ایستویک با اردوی دوست محمدخان و حسام‌السلطنه و کسب اطلاعات از طریق فرستادن پیک به اردوی وی، کتاب وی حاوی اطلاعات ارزشمندی در مورد محل استقرار و تعداد نیروهای دوست محمدخان، افسران وی، نیروهای حسام‌السلطنه و آرایش نیروهای وی، درگیری‌های رخ داده بین آنها، تعداد کشته‌شدگان و اسیران می‌باشد و خصوصاً در مورد تأثیرات این جنگ بر خراسان و مشهد و فرار افسران و نیروها از این شهر و پیوستن آن‌ها به دوست محمدخان دارای اطلاعات ذی‌قیمتی است.

۵- مبحث آداب و رسوم:

توصیفاتى که وی از خانه‌ها، تابلوهای نقاشی، حالات چهره‌ها، خانه داروغه و رفتار زنان وی، درگیری‌های لفظی و خوش و بش‌های خانوادگی، که نمودی از روابط اجتماعی آن عصر بوده، همچنین اطلاعات در مورد شفا دادن مریضان، شیوع بیماری تیفوس به مشهد، گفت و گو با میرزا هدایت‌الله، و گفت و گو با ملاصادق در مورد مسائل دینی، توجه به مسائل مذهبی مانند معجزات امام رضا (ع)، و خصوصاً مسئله نکیر و منکر، توصیف دقیق خلیقات فکری مردم مشهد در موارد مختلف مخصوصاً عکس‌العمل مردم مشهد در رابطه با ورود وی به حرم، علت رفتن مردم به روستای جاغرق، شرح دقیق حالات رفتاری افرادی مانند امام جمعه که نمودی از تفکر یک روحانی این دوره را نمایان می‌سازد؛ همه در کنار یکدیگر مانند تابلویی بزرگ از وضعیت اجتماعی مشهد این زمان می‌باشد.

نقدی بر سفرنامه ایستویک:

امتیازات:

۱- خوشبینی نویسنده نسبت به ایرانی و سرزمین ایران که در برخی موارد، عیناً بیان شده است. خصوصاً در مورد مشهد، مردم آن را مردمی متعصبه

مبحث اشخاص و افراد و ارزش مطالب آن یکی دیگر از ویژگی‌های سفرنامه ایستویک است. که در جای دیگر کمتر می‌توان آن را یافت. برخی از این افراد عبارتند از:

۱- مشیرالدوله، میرزا جعفرخان مشیرالدوله (ملقب به مهندس‌باشی و متولی وقت آستان قدس). بنا به گفته ایستویک دارای قدی بلند و استخوانبندی درشت بوده است.^۸

۲- میرزا محمدحسین خان وزیر خراسان: توصیف خلیقات و روحیات، اطلاعات خانوادگی جالب در مورد خانواده و محل زندگی وی.

۳- شرح کامل در مورد داروغه کلانتر شهر، محل زندگی و روابط خانوادگی وی.

۴- توصیف بسیار دقیق و جالب در مورد میرزا عسکری، امام جمعه مشهد و پسر وی هدایت‌الله: ایستویک با میرزا عسکری در منزل وی، واقع در محله سراب دیدار کرده و در مورد خلیقات، روحیات، زندگی شخصی وی و مخصوصاً نظر وی راجع به انگلستان و روسیه و سابقه آشنایی او با سفیر انگلستان در بغداد، محل زندگی و باغی که در آن سکونت داشت اطلاعات کاملی ارائه می‌دهد. همچنین آشنایی با میرزا هدایت‌الله^۹ و دیدار با او در مسجد و خصوصاً مناظره‌ای که در مورد مسیحیت با وی انجام داده است همگی از مطالب جالب سفرنامه است.

مطالبی در مورد دلماز، نماینده انگلیس در مشهد، اسدالله میرزا، سلطان مراد میرزا، فراشباشی کل، ملاصادق و... بخش دیگری از اطلاعات کتاب است.

مذهبی و تندرو معرفی می‌کند، اما برخلاف سایر جهانگردان این دوره مانند خانیکوف یا فریزر و بارنز کمتر این مسئله را نمایان ساخته است.

۲- ذکر دقیق حوادث، و حتی ساعت آن که در مقایسه با سایر سفرنامه‌ها کم‌نظیر می‌باشد.

۳- ذکر دقیق آمارها با توجه به نزدیکی به نهادهای دولتی و اداری و رسمی در مشهد مانند جمعیت شهر، زوار، تعداد سربازان قشون ایران و دوست محمدخان.

۴- عدم تعصب مذهبی و پرهیز از یکسنگری و جانبداری نویسنده که باعث شده، سفرنامه را بدون پیشداوری ذهنی به رشته تحریر درآورد.

۵- انتقال مطالب صحیح و دست نبردن در آن‌ها، و خودداری از اظهارنظرهای نامعقول در مورد حوادث و افراد.

۶- تیزبینی و کنجکاوی و دقت نظر نویسنده در مورد توصیف برخی از اماکن که برخی از مواقع چاشنی ادبیات را نیز به آن می‌افزاید.

معایب و کاستیها:

۱- ژورنالی بودن سفرنامه: نویسنده در برخی موارد اطلاعات بسیار ریز و دقیق که به قول خودش بیشتر به فضولی و تجاوز به حریم دیگران می‌ماند، می‌آورد و در برخی موارد اطلاعات بسیار کمی می‌دهد. در مجموع مانند یک روزنامه‌نگار کنجکاو بوده، اما به فکر استنتاج از مطالب و ارائه نظریه در آن مورد نمی‌افتد. مثلاً مسائل خصوصی خانه داروغه را در قالب ادبی زیبا و مفصل بیان می‌کند. اما در مورد برخی اماکن مهم مشهد مانند مدارس هیج اسمی به میان نمی‌آورد.

۲- عدم استفاده از نقشه و گراور در کتاب برخلاف سایر سفرنامه‌ها مانند خانیکوف و مک‌گرگر، که چنانچه نویسنده به فکر چنین کاری می‌افتاد، قطعاً به علت دقت نظر خاص او می‌توانست نقشه و گراورهای جالبی ارائه دهد.

۳- به نظر می‌رسد که مطالب از دید یک فرد از طبقه مرفه جامعه نوشته شده تا فردی که در میان مردم باشد و به همین دلیل بعد توصیف مردم از جهت رفتار و لباس و رسوم و... نسبت به سایر ابعاد آن ضعیف‌تر به نظر می‌رسد.

۴- ناتوانی در تعیین موقعیت صحیح جغرافیایی مناطق از نظر علمی و توصیف معمولی اماکن، خصوصاً دروازه‌ها که آن را به سبب متعصب بودن مردم در استفاده از قطب‌نما معرفی می‌کند. امری که چندان صحیح به نظر نمی‌رسد.

۵- با توجه به متن ژورنالیستی سفرنامه، چنانچه حداقل، مطالب را به صورت روزمره و با ذکر تاریخ دقیق یادداشت می‌نمود، بهتر بود. به همین خاطر اثر او مانند اثر بارنز از نظر متن و محتوا جذاب نمی‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

1- Biographical Encyclopedic, Cambridge

University 1998, P. 295.

۲. گروه مؤلفان. فرهنگ خاورشناسان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۴-۶

۳. رایبونی، لویی. دیپلمات‌ها و کنسول‌های ایران و انگلیس، ترجمه غلامحسین

میرزا صالح، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۲۹

4- Persia Journal of diplomates tree years

in Iran, Edward b. Eastwick. (1814-1863).

London. Smith Elder and co. residence

۵. فرهنگ خاورشناسان، ص ۴۹۶، همچنین برای اطلاع بیشتر در مورد

فعالیت‌های استیویک در ایران، خصوصاً در واقعه انفصال هرات ر. ک به اتحادیه، منصوره، انفصال هرات. تهران، کتاب سیامک صص ۲۱۰-۱۹۸ و ۲۳۳

۶- امروز نام چنین محلی در بین روستاهای مشهد وجود ندارد و احتمالاً شاید تغییر نام داده باشد.

۷- البته مطلبی که نویسنده راجع به فتح خان قاجار و جد قاجاریه آورده احتمالاً صحیح نباشد، زیرا وی ابتدا برای کمک به پهماسب دوم به نزد وی آمد و نادر در احضار وی نقشی نداشت و بعداً با اشاره پهماسب و توسط نادر در سال ۱۱۳۹ به قتل رسید. برای اطلاعات بیشتر رک: سیدی، مهدی. تاریخ مشهد، انتشارات جامی، مشهد، ۱۳۷۸، ص ۲۲۶.

۸- خانیکوف نیکولای ولادیموویچ، سفرنامه خانیکوف، مترجمان اقدس یغمایی، ابوالقاسم بیگانه، چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۵، ص ۱۱۱.

۹- میرزا ابراهیم رضوی جد سادات رضوی ساکن در مشهد می‌باشد که در زمان صفویه زندگی می‌کرده و موقوفاتی را برای اولاد خود باقی گذاشته است.

۱۰- وی در پاورقی سفرنامه‌اش می‌آورد:

«من معتقدم که اولین اروپایی هستم که تاکنون به مسجد امام رضا(ع) در مشهد رفته است و قطعاً اولین نفری که به عنوان اروپایی وارد شده است. ممکن است که یک یا دو خارجی با لباس بومی رفته باشند، اما من در مورد این گونه ورود آگاهی ندارم، مستر فریر صحبت از راه رفتن در حدود چهارگوش «صحن عتیق» کرده است، اما این شرح باید از مسموعات و بعد از نگاه وی از بالا خیابان، داده شده باشد. زیرا عجیب به نظر می‌رسد که او از عمارت نادری و قفس عاج مانند و درهای جواهرنشان چیزی نمی‌گوید و خیلی چیزهای دیگر که ممکن است داخل دیده شده باشد».

9. Journal of Diplomat's tree Year's residence IN Persia, P. 22

۱۱- کارخانه زواری یا آشپزخانه حضرتی مکانی برای پخت غذا جهت زوار بوده است که در مقطعی با کارخانه خدای نیز یکی بوده است. سرپرسی سایکس در مورد ورود یک انگلیسی به حرم می‌گوید:

«در ایامی که در بغداد احساسات مسلمان‌ها به تمام معنی علیه مسیحیان غلیان داشت یکی از انگلیسی‌ها با لباس مبدل وارد حرم شد که از داشتن چنین هموطنی متأسف می‌باشم و اگر قضیه کشف شده بود نه فقط خود او بلکه عده کثیری از سایر افراد کشته می‌شدند (سرپرسی سایکس: ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، انتشارات کتابخانه ابن‌سینا، تهران، ۱۳۳۶، ص ۲۹) گرچه نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد که این شخص فریزر یا ایستویک بوده است، لیکن خود فریزر نیز می‌آورد که به واسطه میرزا یوسف خان و از طریق سیدحسن از خدام حضرت رضا وارد حرم حضرت رضا (ع) شده چه وی را مسلمان شده می‌پنداشتند. محمدحسن خان، اعتمادالسلطنه: مطلع الشمس، انتشارات پیشگام، تهران، ج ۲، ص ۳۵. به هر حال ادعای ایستویک مبنی بر اینکه تنها خارجی‌ای بوده که وارد حرم شده صحیح به نظر نمی‌رسد. لیکن به عنوان اولین کسی که با لباس اروپایی وارد حرم شده ممکن است صحیح باشد. ۱۲- میرزا عسکری از خانواده شهیدی و فرزند میرزا هدایت‌الله بن میرزا مهدی شهید است که به طور ارثی تولیت مسجد گوهرشاد و امام جمعه مشهد را داشتند. وی چهار پسر به نام‌های میرزا اسدالله، میرزا رسول ملقب به آصف‌التولیه، میرزا محمد و میرزا نبی داشت. وی در سال ۱۲۸۲ فوت کرده است. برای اطلاع بیشتر راجع به خانواده شهیدی، ن. ک رضوی، محمداقبر: شجره طیبه، به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، چاپخانه حیدری، ۱۳۵۲، ص ۴۵۰-۴۰۳.

۱۳- میرزا هدایت‌الله ارشد اولاد میرزا عسکری بود که در سال ۱۲۸۲ بعد از فوت پدرش به منصب امام جمعه رسید و برادرش اسدالله به سمت نائب وی انتخاب گردید (اعتمادالسلطنه، مشیرالنوله، محمد حسنخان: تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، دنیای کتاب، تهران، ج ۳، ۱۷۸۳، ص ۷-۱۲۶۴).

۱۴- ایستویک در مورد خراسان می‌گوید: حالت طبیعی خراسان جنگ است. قتل و غارت و دزدی مال التجاره‌های کوچک، اعدامهای پنج نفری، ده نفری و بیست نفری دزدان هر هفته اتفاق می‌افتد (۲۱۶).